

شهادت سردار سلیمانی نشان داد همه مردم نه تنها مردم ایران بلکه مردم منطقه از راه و مکتب شهید سلیمانی پشتیبانی می‌کنند. شهید حاج قاسم سلیمانی یک فرد تنها نبود که نگاه شخصی نسبت به مسائل داشته باشد. او انسانی صلح طلب بود که دغدغه آرامش مردم را داشت و در هر جا که لازم بود حضور پیدا می‌کرد و فرقی نداشت

انا لله و انا الیه راجعون لحظاتی پیش روح بلند و ملکوتی فقیه انقلابی فیلسوف مجاهد عمار رهبر حضرت آیت الله علامه محمدتقی مصباح یزدی به ملکوت اعلی پیوست.

رحلت این عالم ربانی را به حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نایب بر حق ایشان مقام معظم رهبری و عموم ارادتمندان به ایشان تسلیت عرض میکنیم



قدر زگر شناسد

حضرت آیت الله محمد تقی مصباح یزدی آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، در یازدهم بهمن ماه سال هزار و سیصد و سیزده، برابر با هفدهم ربیع‌الاول هزار و سیصد و پنجاه و سه قمری، در خانواده‌ای مذهبی در شهر یزد به جهان چشم گشود.

زندگی مادی خانوادهٔ استاد مصباح، در سطح پائینی بود ولی عشق به خاندان پیامبر(ص) در دل و جان این خانواده موج می‌زد و در دورانی که خفقان رضاخانی بر همه جا سایه گسترده بود و بر پایی هر گونه مراسم عزاداری جرم به شمار می‌آمد، در شبهای محرم، در زیرزمین منزل ایشان، مجلس سوگواری برای سالار شهیدان بر پا می‌شد و نیز شبهای جمعه، در منزل پدر بزرگ ایشان حاج علی اکبر گیوه‌چی یزدی دعای کمیل خوانده می‌شد و هر صبح جمعه نیز دعای ندبه برگزار می‌گشت؛ به گونه‌ای که پدر استاد، دعای ندبه را از حفظ قرات می‌کرد.

دوران تحصیل: استاد مصباح یزدی که در دامن چنین خانواده‌ای پرورده شده بود، با ورود به دبستان، همه ساله، شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می‌شد و این مسأله باعث شده بود که مورد محبت فراوان معلمان واقع شود. در روزگاری که استاد، دورهٔ دبستان را می‌گذرانیید، جامعه، اقبالی به علوم دینی نشان نمی‌داد. تبلیغات رضا خانی، می‌کوشید تا نسل جوان را نسبت به روحانیت بدبین کند. پر واضح است در چنین فضایی، چنانچه شاگرد ممتازی چون محمد تقی مصباح یزدی بخواهد به تحصیلات حوزوی روی آورد، شگفتی هم‌شاگردیها و استادان و معلمان را بر خواهد انگیزد؛از سوی دیگر، جذبه معنوی «مرحوم حاج شیخ احمد آخوندی» که از خویشاوندان مادری استاد و مقیم نجف بود و همگه برای سرکشی موقوفه‌ای که متولی آن بود، به یزد می‌آمد و مهمان خانواده استاد می‌شد، شیفتگی وی به تحصیل علوم دینی را دو چندان می‌ساخت.

رؤیای ورود به حوزه، در سال تحصیلی ۱۳۲۶- ۱۳۲۵ که دوره ابتدایی ایشان پایان یافته بود، متحقق شد؛ آن هم در تابستان! فضلی که نوجوانان را به تفریح و سرگرمیهای جذاب فرا می‌خواند؛ اما شیفتگی استاد، او را به یکی از حجره‌های مدرسه شیعیهٔ یزد کشاند. هفت و جدیت او باعث شد که مقدمات و سطوح متوسطه را در مدت چهار سال فرا گیرد، در همین سالها بود که «حاج شیخ احمد آخوندی» دیگر بار به یزد آمد و با مشاهده تلاش شایان طلبه جوان، او را برای هجرت به نجف اشرف و ادامه تحصیل در آن حوزهٔ سترگ، تشویق کرد. همچنین خانواده او را به منظور حمایت از او به مهاجرت به نجف، ترغیب نمود.

این گونه بود که اعضای خانواده، همگی در اواخر سال ۱۳۳۰ رهسپار نجف شدند. شش ماه گذشت و وضع مالی خانواده نابسامان شد و تلاشهای پدر برای کسب در آمد کار گر نیتداد و آنان مجبور به بازگشت به ایران شدند. والدین استاد به دلیل دلبستگی فراوان به وی، حاضر نشدند که او به تنهایی در نجف بماند و به ناچار، ایشان نیز رهسپار ایران شد. پس از پا نهادن به ایران به تهران آمد و تابستان آن سال را همراه با خانواده در تهران ماند.

بیست روز مانده به آغاز درسه‌ها، در حالی که توانسته بود رضایت خانواده را جلب کند، راهی قم شد و پس از مدتی، با سختی فراوان، توانست در مدرسهٔ فیضیه، حجره بگیرد و در دروس «مکاسب»، «کفایه» و «منظومه» شرکت کند. در این دوره چنان مطالعه و مباحثه وقت او را پر کرده بود که به گفته خود، در شبانه روز، پنج یا شش ساعت برای خواب باقی مانده بود.

هنوز کفایه و مکاسب را به پایان نبرده بود که همگه برای کسب آماجگی، در درس «امام خمینی» (ره) حاضر می‌شد و شخصیت امام (ره) تأثیر شگرفی در زندگی ایشان گذاشت. در کنار درس امام (ره) در درس فقه «آیت‌الله العظمی بروجردی» نیز شرکت می‌جست و در همین سالها، با شخصیت «علامه طباطبایی» (ره) انس فراوانی پیدا کرده بود و در مجالس درس عمومی و خصوصی ایشان حضور می‌یافت. از دیگر کسانی که ایشان سالهای متمادی را به تحصیل نزد او گذراند، «آیه الله العظمی بهجت» بود. وی در طول این سالها، بنا به گفته هم دوره‌ایها، با دقت فراوان و با جهد و تلاش شایان به تحصیل علوم می‌پرداخت و همزمان به تهذیب نفس و ایجاد سجایای اخلاقی اهتمام ویژه نشان می‌داد.

استادان: ایشان پیشرفتهای خود را مرهون عنايات و زحمات استادان خود می‌داند و نقش مرحوم «حاج شیخ محمد علی نجوی» در حوزه یزد را که وقت بسیاری برای تدریس خصوصی به ایشان و سپس مباحثه با شاگرد خود صرف می‌کرد، در پیشرفت خود بسزا می‌داند.

«کفایة الاصول» را نزد «شیخ عبدالجواد جبل عاملی» آموخت. برای فراگیری درس خارج اصول، به درس امام خمینی(ره) می‌رفت و در درس خارج فقه آیت الله بروجردی حاضر می‌شد. ایشان ویژگی علمی بارز امام (ره) را دقت نظر و آزادی اندیشه می‌دانست که در درسه‌ای استادان دیگر، کمتر یافت می‌شد.

آشنایی با «علامه سید محمد حسین طباطبایی»

بارقه‌ای آسمانی بود که جان استاد را شعله‌ور ساخت. که بدان اشاره خواهد شد.

در درس تفسیر و فلسفهٔ ایشان با جدّیت تمام شرکت می‌جست و پرسشهای خود را در پایان درس، در راهی که به منزل علامه ختم می‌شد، می‌پرسید تا اینکه سرانجام پرسشهای موشکافانهٔ او، توجه صاحب تفسیر «المیزان» را به خود جلب کرد و او را انیس خلوت و جلوت علامه ساخت.

دیگر استاد ایشان، حضرت «آیه الله بهجت» بود که در آن زمان عالمی ناشناخته بود و کمتر کسی را به حضور می‌پذیرفت. در خواست استاد جمعی دیگر از طلاب از آیه الله بهجت، باعث شد ایشان درس فقه را آغاز کنند و این فرصتی بود تا استاد و دیگر طلاب، از ویژگیهای اخلاقی ایشان نیز بهره ببرند. و این بهره بردن برای استاد ۱۵ سال به طول انجامید.

دوستان: شیخ محمدتقی مصباح یزدی به دوستیهای سالم و تعالی بخش، اهتمام ویژه‌ای داشت. از دوستان قدیمی ایشان، «شیخ محمد حسین بهجتی اردکانی» و برادر ایشان، مرحوم «شیخ علی بهجتی»، «شیخ علی بهلوانی»، «میرزا حسن نوری» و «شیخ علی اکبر مسعودی خمینی» - تولیت فعلی آستانهٔ مقدسه حضرت معصومه ۳ - را می‌توان نام برد.

رفت و آمدهای ایشان به مدرسه حجتیه باعث شد که با «دکتر باهنر»، «قای هاشمی رفسنجانی» و «آیه الله خامنه‌ای» نیز دوستی دایمه داری پیدا کند که زمینه ساز مبارزات ایشان بر ضد رژیم طاغوت شد. همچنین از دوستان قدیمی ایشان، باید از «آیه الله دکتر بهشتی» نام برد که استاد مصباح، سالیان متمادی با ایشان به مبارزه بر ضد رژیم، تشکیل گروه تحقیق پیرامون مباحث حکومت اسلامی و همکاری در مدرسه علمیه حقایق پرداخته‌اند.

فعالیتهای علمی و فرهنگی: الف. آموخته‌ها: استاد مصباح، علوم گوناگون اسلامی را در محضر استادان حوزه آموخته‌اند و به مطالعه و تدبیر فراوان در آن پرداخته‌اند. ایشان در فقه و اصول

با بهره بردن از محضر استادانی چون آیات عظام بروجردی، آراکی، امام خمینی و بهجت در سن بیست و هفت سالگی به درجهٔ اجتهاد رسیدند. در علم تفسیر نیز با بهره از دیدگاهها و سفارشیهای خصوصی علامه طباطبایی (ره)، توانستند روش صحیح تعمق و تفکر در قرآن را بیاموزند تا آنجا که علامه کار بازخوانی «تفسیر المیزان» پیش از چاپ را به او سپردند.

استاد خود نیز ضمن برگزاری دروس تفسیر موضوعی قرآن، کتابهایی در این زمینه نگاشته‌اند که بدان اشاره خواهد شد.

آیت الله مصباح یزدی، در فلسفه، «اسفار» و «شفا» را نزد علامه (ره) فرا گرفتند و خود، سالها به تدریس فلسفه اسلامی و غرب در حوزه‌های علمیه پرداختند؛ به گونه‌ای که امروزه، یکی از برجسته‌ترین استادان فلسفه به شمار می‌آیند و کتاب «آموزش فلسفه» ایشان، در مراکز مختلف فرهنگی تدریس می‌شود.

ایشان در بسیاری از مسائل فلسفه - به گفته اهل فن - نوآوری‌هایی نیز انجام داده‌اند و شاگردان بسیاری را تربیت نموده‌اند. استاد ضمن تحصیل دروس حوزه در کلاسهای فیزیک، شیمی و... شرکت نموده، زبانهای خارجی فرانسه و انگلیسی را نیز تا حدّی آموخته‌اند.

ایشان تدریس منظم خود را، در مدرسه علمیه حقایق آغاز کرد. در آغاز به تدریس مباحث قرآنی، تفسیر و مباحث اخلاقی و تربیتی پرداخت از جمله، کتاب «فلسفتنا» نوشته «شهید سید محمدباقر صدر» را برای اولین بار در حوزه تدریس کرد. در مؤسسه «در راه حق» نیز به تدریس «فلسفتنا»، «اقتصادنا» نوشته شهید صدر، و «نهایة الحکمه»، نوشته علامه طباطبایی مشغول بود.

استاد مصباح یزدی، «شفا» نیز از دروسی بود که استاد، به علاقه‌مندان به فلسفه، می‌آموخت. هم اکنون نیز ایشان به تدریس و تربیت طلاب فرهیخته می‌پردازد.

از شاگردان معروف درس ایشان می‌توان «استاد غلامرضا فیاضی»، «استاد محمود رجبی»، «دکتر مرتضی آقا تهرانی»، «دکتر عباسعلی شاملی»، «دکتر احمد رهنمایی» و «استاد محسن غرویان» ج. تألیفات و آثار.

استاد مصباح یزدی، تا کنون کتب فراوانی در زمینه‌های گوناگون اسلامی، نگاشته است که بخشی از آنها مربوط به پیش از انقلاب و برخی مربوط به بعد از انقلاب می‌باشد. نظر به گستردگی و فراوانی کتابهای ایشان به چند کتاب مهمّ ایشان اشاره می‌کنیم: خداشناسی؛ کیهان‌شناسی؛ انسان‌شناسی؛ راه و راهنماشناسی؛

قرآن‌شناسی؛ اخلاق در قرآن؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن؛ حقوق و سیاست در قرآن؛ آموزش فلسفه؛ شرح نهایة الحکمه؛ شرح جلد اول اسفار الاربعه؛ شرح جلد هشتم اسفار الاربعه؛ دروس فلسفه اخلاقی؛ خودشناسی برای خودسازی؛ بر درگاه دوست؛ نقدی فشرده بر اصول مارکسیسم؛ آموزش عقاید، قرآن در آیینهٔ نهج البلاغه؛ نگاهی گذرا به نظریهٔ ولایت فقیه؛ و ده‌های کتاب دیگر. هم اکنون کتابها و آثار استاد در مراکز مختلف فرهنگی تدریس می‌شود و بخشی از آثار ایشان نیز در حال تدوین و چاپ است. ویژگی بارز آثار ایشان، عمق، سادگی و روانی، جذابیت و به روز بودن آن است که تحسین بسیاری از مردم و استادان را در پی داشته است.

آیت الله مصباح، در زمینه علمی و فرهنگی، از دیر باز، خدمات شایانی را ارزانی داشته‌اند و هر دوره - بنا به مقتضیات آن دوره - حرکت فرهنگی انقلاب بر کتلهای فرهنگی ایشان، نتایج مثبتی را به همراه آورد.

استاد مصباح، از ابتدای ورود خود به حوزهٔ علمیه قم، متوجه کاستیهای موجود در این حوزه شده بودند و آن گونه که خود نقل می‌کنند، در انتظار فرصتی بودند تا بتوانند برای آن، راه حلی مناسب پیدا کنند. ایشان نارساییهای موجود را در سه حوزهٔ نظام آموزشی، مسائل اخلاقی و روند تبلیغی بازشناخته بودند و آنها را در نامه‌ای تنظیم کرده بودند.

این نامه که آیت الله مشکینی آن را با خطی خوش باز نوشته بود، امضای دوستان تن از بزرگان حوزه، از جمله «آیت الله حاج آقا مرتضی خاتری» و «مرحوم آیت الله فکور» را به همراه ایشان شرفیاب شده بودند، مطرح کردند و درخواست کردند نسبت به تشکیل درس اخلاق در حوزه و جبران کاستیهای حوزه تدابیری اندیشیده شود.

آرمانهای اصلاحی حوزه، مدرسه‌ای جدید را می‌طلبد که با یک برنامه ریزی ویژه، بتواند طلاب کوشا و با استعداد را در مدتی کوتاه‌تر و با کیفیتی بهتر به جامعه ارزانی دارد. این مهم، با بهمت شهید آیت الله بهشتی و مرحوم آیه الله ربانی شیرازی میسر شد و مدرسه‌ای با نام «حقانی» تأسیس شد. این مدرسه را فردی خیر

به نام حاجی حقایق ساخت که خود، از تاجران زنجان و از ارادتمندان به حوزه روحانیت شیعه بود. مرحوم آیه الله قدوسی نیز به ریاست این مدرسه منصوب گردید. شهید قدوسی نیز از استاد مصباح برای تدریس دعوت به عمل آورد و استاد نیز به تدریس فلسفه، تفسیر و اخلاق پرداخت. پس از چهار سال، به درخواست شهید قدوسی مینی بر شورایی شدن ادارهٔ مدرسه، استاد به عضویت هیأت مدیرهٔ آن مدرسه در می‌آیند. ثمره این تلاش جمعی، تربیت طلابی فرهیخته بود که هم اکنون در نهادهای گوناگون نظام جمهوری اسلامی به فعالیت می‌پردازند.

پذیرفتن بخش آموزش مؤسسه «در راه حق» نیز از فعالیتهای مثبت و از خدمات شایان استاد مصباح یزدی بود. این مصباح، تصمیم به ساماندهی بخش مائزالیستی و مارکسیستی فرهنگ غرب در ذهن جوانان و با التفات به خلا موجود در حوزه در زمینهٔ این مباحث، تصمیم به ساماندهی بخش آموزش مؤسسه در راه حق که آیه الله «خزازی» مؤسس آن بود گرفتند. بخش آموزش این مؤسسه، طلاب را بدین شرط می‌پذیرفت که دست کم دو سال درس خارج را گذرانده باشند و پس از گذراندن مساحیهٔ علمی که آقایان مظاهری، یزدی و استاد مصباح انجام می‌دادند، آنها را می‌پذیرفت.

استاد مصباح، با مشاهدهٔ توطئه‌های اعتقادی دشمنان در آغاز انقلاب، بر آن شدند که برای حفظ و نگهداری از نهال نوپای انقلاب، گروهی از طلاب را به اقصی نقاط کشور گسیل دارند و خود نیز درس رسمی حوزه را تعطیل کردند تا برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب، بتواند در مراکز گوناگون به سخنرانی و پاسخ به شبهات بپردازند. همچنین نظر به ضرورت امور دانشگاهها در آن سالهای حساس، استاد مصباح در طرحی، تأسیس مرکزی به نام «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را پیش نهادند که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید و ثمرات آن تا هم اکنون، در میان دانشگاهها آشکار است.

دیگر از خدمات آیت الله مصباح یزدی، تأسیس «بنیاد فرهنگی باقر العلوم» بود که فارغ التحصیلان مؤسسه در راه حق را برای گذراندن دوره‌های تخصصی علوم انسانی به خود فرا می‌خواند. این مرکز، در یازده رشته به خدمات می‌پردازد که عبارت بودند از: علوم قرآنی، اقتصاد، تاریخ، کلام و دین شناسی، روان شناسی، علوم تربیتی، مدیریت، علوم سیاسی، فلسفه، حقوق و جامعه‌شناسی.